

اعتماد اجتماعی آسیب دیده است

بازار دروغ و تزویر این روزها در ارتباطات روزمره آنقدر داغ شده که کارشناسان می‌گویند در جامعه ایرانی کار به جایی رسیده ...



سلامت نیوز : بازار دروغ و تزویر این روزها در ارتباطات روزمره آنقدر داغ شده که کارشناسان می‌گویند در جامعه ایرانی کار به جایی رسیده که به نظر به نظرمی‌رسد انگار اگر دروغ گفته نشود، نمی‌توان صبح را شب کرد. این در حالی است که آبرو ریزی و پرده‌داری نیز در جامعه وضعیت بهتری ندارد. گویی برخی می‌خواهند از این صفات، نردبانی برای رسیدن به بام خوشبختی برای خود فراهم کنند.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از تهران امروز ؛ نردبانی که نه در دین اسلام جایگاهی دارد و نه در فرهنگ اجداد ایرانی ما. همین است که جامعه‌شناسان زنگ خطر نابودی سرمایه اجتماعی در جامعه ایرانی را به صدا درآورده‌اند. به گفته دکتر افسر افشارنادری، جامعه‌شناس و دکترای مدیریت فرهنگی: «#171؛ وقتی برنامه‌ریزی‌های انجام شده در جامعه‌ای از واقعیت‌ها و نیازها فاصله داشته باشد، افراد از خود واکنشی به نام دروغگویی نشان می‌دهند یا تزویر می‌کنند چرا که راستگو نبودن و عدم رعایت ارزش‌های اخلاقی در چنین جامعه‌ای کارکرد دارد.»

زیر آب زنی، معضل امروز ایرانی‌ها

تا همین چند نسل پیش در هر فامیل، افراد زیادی بودند که سینه آنان صندوقچه اسرار بود. از غصه تنهایی تا داستان دلخوری‌ها و دعاها را با آب و تاب می‌شنیدند و همان جا دفن می‌کردند. اتفاقی که این روزها کمتر صورت می‌گیرد. حتی شاید افراد به کنکاش در امورات دیگران می‌پردازند تا اصطلاحاً روزی «#171؛ زیرآب» او را بزنند و تا فرد به خودش می‌آید می‌بیند یا آبرویش ریخته شده و خجالت می‌کشد جلوی در و همسایه سرش را بلند کند یا کارش را از دست داده است. همین تغییر رویه سبب شده تا آبروریزی و پرده‌داری بشود نقل مجلس ایرانی‌ها! دکتر محسن فرمهینی‌فراهانی، رفتارشناس و عضو هیات علمی دانشگاه شاهد در گفت‌وگو با تهران امروز می‌گوید: «#171؛ ریشه‌شناسی این آسیب‌ها که رشد چشمگیری در جامعه دارد را باید در سطوح مختلف جامعه انجام داد. اما می‌توان عقده حقارت و خودکم بینی، جذب مخاطب برای نیل به اهداف شخصی، ترس از دست دادن مقام و دشمنی و حسد را از جمله دلایل این رفتارها دانست. البته بیشتر این رفتارها از روی نادانی و ناآگاهی صورت می‌گیرد و افراد عمدتاً نمی‌دانند با این رفتارها چه آسیبی به جامعه می‌زنند و تنها نفع فردی خود را در نظر می‌گیرند.»

این استاد دانشگاه با اشاره به بی‌اخلاقی‌هایی نظیر پرده‌داری و دروغگویی در سطوح بالای جامعه، ادامه می‌دهد: «#171؛ باید نهادهای نظارتی از نظارت بر سازمان‌ها و موسسات در جامعه گرفته تا سطوح بالایی جامعه با جدیت بیشتری عمل کنند. مثلاً اگر در ارزیابی‌ها اخلاق مداری اصل باشد و عدول از اخلاق نمره منفی به دنبال داشته باشد و حتی باعث اخراج افراد یا از دست دادن موقعیت آنها شود، قبح ریاکاری و پرده‌داری در جامعه نمی‌شکند.» او معتقد است: «#171؛ براساس فرمایشات امیرالمومنین در نهج‌البلاغه هم حاکمان از مردم تاثیر می‌گیرند و هم مردم از حاکمان. چون هر دو طرف در مقابل هم وظایف و حقی دارند. بنابراین این صفات هم از سطوح پایین به سطوح بالای جامعه منتقل می‌شود و هم برعکس آن صادق است.»

به گفته او «#171؛ سه ضلع خانواده، نظام آموزشی و رسانه‌ها در الگوسازی و روند جامعه‌پذیری افراد خانواده نقش مستقیم دارد.» سه ضلعی که گویا پای آنها در جامعه ایرانی لنگ می‌زند. دکتر فرمهینی‌فراهانی می‌گوید: «#171؛ در برخی کشورها که حتی مانند ما از غنای تعلیمات دینی برخوردار نیستند، در نظام آموزشی، تربیت شهروند را مدنظر قرار می‌دهند. به آنها از دوران مدرسه تامل و بردباری، ضرورت راستگویی، مسئولیت‌پذیری در جامعه و احترام به حقوق دیگران را می‌آموزند.» او ادامه می‌دهد: «#171؛ بنابراین در جامعه امروز نخست نیازمندیم نظام آموزشی را تقویت کنیم چون از دو طریق مستقیم و غیرمستقیم (خانواده) بر افراد جامعه اثرگذار است.» دکتر فرمهینی‌فراهانی ادامه می‌دهد: «#171؛ پیامد درست عمل نکردن این سه ضلع در اعماق جامعه رسوخ می‌کند. سلامت روانی جامعه را خدشه‌دار کرده و به سرمایه اجتماعی آسیب می‌زند.»

سرایت بد اخلاقی‌ها از سطح کلان به خرد

اما دکتر افشار نادری معتقد است که دروغ، تزویر و پرده‌داری همیشه از سطح کلان جامعه به سمت خرد کشیده می‌شود. او می‌گوید: «مثلاً وقتی در جامعه دیده می‌شود که شک و شبهه درباره مدرک تحصیلی فلان مدیر وجود دارد اما با آن برخورد نمی‌شود، خب سایرین نیز به سمت دروغ کشیده می‌شوند. اما اگر دروغگو در هر پست و مسندی مجازات می‌شد، امروز ما شاهد دروغگویی در سطوح خرد جامعه؛ آن هم به این گستردگی نبودیم.»

دکتر افشار نادری پیامدهای این رفتارهای نادرست را اینگونه تشریح می‌کند: «از پیامدهای آن که کاملاً در جامعه ایرانی محسوس است، بی‌اعتمادی به افراد است. افراد در چنین جامعه‌ای از خود بیگانه می‌شوند. یعنی ایرانی هستند و در این جامعه زندگی می‌کنند اما خود را متعلق به جامعه نمی‌دانند. به سوی فردگرایی تمایل دارند و در هر کاری تنها افزایش سود خودشان را مدنظر قرار می‌دهند. در اینجا هم برای بالا بردن منفعت خود بازهم دروغ می‌گویند. ما در جامعه با افرادی روبه‌رو می‌شویم که با یکدیگر دوست نیستند. بی‌اعتمادی در جامعه یعنی از بین بردن سرمایه اجتماعی. وقتی بی‌اعتمادی حاکم باشد، دیگر افراد جامعه با هم متحد نیستند. هر کسی ساز خودش را می‌زند و فردگرایی بارزترین شاخصه این جامعه است. چیزی که امروز ما به وضوح در جامعه ایرانی می‌بینیم. اگر بتوانیم اعتمادسازی کنیم، دیگر تن به راستگویی نمی‌دهیم.»

او ادامه می‌دهد: «هر عنصری که کارکرد داشته باشد جای خود را در میان جامعه پیدا می‌کند. با این مقدمه باید گفت که این رفتارها در جامعه ما کارکرد دارد و به همین دلیل جای خود را پیدا کرده است، مثلاً اگر در بسیاری از موارد راست بگویید به اصطلاح کارتان راه نمی‌افتد. اما در جامعه امروز ایرانی به این صفات مزد اختصاص یافته است. در حالی که در بسیاری از جوامع به صداقت و درستکاری امتیاز می‌دهند اما در بسیاری از جوامع فرد دروغگو و کسی که پرده‌داری و آبرو ریزی کرده، طرد می‌شود.»

او در بیان راهکار برای برون رفت از این معضل می‌گوید: «باید در قوانین فرهنگی تجدیدنظر کرد. همانطور که گفتیم تغییر قوانین فرهنگی کار یک روز و دو روز نیست.

همانطور که جامعه طی یک روز و دو روز به این معضل دچار نشده، باید محدودیت‌های غیرضروری را تا جایی که امکان دارد از بین ببریم. دوم اینکه اجرای قانون را در اولویت قرار دهیم. اگر فردی که می‌خواهد استخدام شود بداند قانون برای همه متقاضیان به طور یکسان اعمال می‌شود دلیلی برای دروغگویی ندارد! تنها چاره‌اش داشتن قوانینی در این باره است. علاوه بر آن باید این قوانین به طور کامل برای همه افراد به طور مساوی به عرصه اجرا گذاشته شود.»

اما این همه ماجرا نیست. او می‌گوید: «از طرف دیگر باید برای فرهنگ‌سازی نیز برنامه داشت. باید معیارهای انسانی را برای جامعه به ارزش تبدیل کرد. این درست منطبق بر دین ماست. مبارزه با دروغ و پرده‌داری برای جامعه خرجی که ندارد هیچ، اگر بتوانیم فایده راستگویی و درستکاری را فرهنگ‌سازی کنیم و هزینه این صفات نادرست را برای مرتکبان آن بالا ببریم، خواهیم دید که مردم به سوی درستکاری حرکت می‌کنند چرا که دیگر به آنها مزد تعلق نمی‌گیرد و آن کارکرد از آن گرفته شده است.»